

الگوی انتقال قیمت در ساختار بازار گوشت مرغ ایران

تاریخ دریافت: ۸۶/۵/۲۲ تاریخ پذیرش: ۸۶/۸/۱

سیدصدفدر حسینی، حبیب‌اله سلامی و افسانه نیکوکار*

چکیده

تجزیه و تحلیل قیمت کالاهای کشاورزی از نظر اقتصادی و سیاسی دارای اهمیت است. انتقال نامتقارن قیمت با افزایش حاشیه‌ی بازار، سودمندی‌هایی برای عوامل بازاریابی کالا ایجاد می‌کند و بر رفاه تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان اثر می‌گذارد. به دلیل اهمیت گوشت مرغ در تأمین نیاز غذایی خانوار و شمار قابل توجه تولیدکنندگان این فرآورده در کشور و تأثیر آن از دیدگاه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان بخش کشاورزی، هدف این پژوهش، بررسی چگونگی انتقال قیمت بین سطوح گوناگون بازار گوشت مرغ ایران است. در این پژوهش با استفاده از آمار هفتگی قیمت‌ها در مرغداری، کشتارگاه و خرده‌فروشی گوشت مرغ در سال‌های ۸۴-۱۳۸۱ و به‌کارگیری الگوی تصحیح خطا، چگونگی انتقال قیمت گوشت مرغ از مرغداری تا کشتارگاه، از کشتارگاه تا خرده‌فروشی و از مرغداری تا خرده‌فروشی بررسی شده است. نتایج نشان می‌دهد که انتقال قیمت در تمام سطوح بازار گوشت مرغ کشور در بلندمدت متقارن و در کوتاه‌مدت از مرغداری تا خرده‌فروشی و از مرغداری تا کشتارگاه نامتقارن است. کشش‌های انتقال قیمت نشان می‌دهند که افزایش قیمت مرغ زنده در مرغداری با شدت بیشتری به سطح خرده‌فروشی منتقل می‌شوند در حالی که کاهش قیمت، به‌کندی به سطوح بالاتر بازار انتقال می‌یابد. در نتیجه‌ی عدم تقارن در انتقال قیمت در بازار گوشت مرغ، مصرف‌کنندگان قیمتی بیش از هزینه‌ی تمام شده‌ی فرآورده پرداخته و عوامل بازاریابی از نوسانات قیمت، سود بدست می‌آورند. بنابراین دولت با اجرای سیاست تنظیم بازار و رفتار عوامل بازاریابی می‌تواند نوسانات قیمت گوشت مرغ را کاهش و رفاه مصرف‌کنندگان را افزایش دهد. حضور به‌موقع دستگاه مباشر در بازار خرید مرغ زنده و فروش گوشت مرغ در سراسر کشور، به اجرای بهتر سیاست‌های تنظیم بازار کمک می‌کند. گسترش امکانات کشتارگاهی متناسب با میزان جوجه‌ریزی در مناطق گوناگون کشور نیز از میزان قدرت بازاری کشتارگاه‌ها که ناشی از ساختار انحصاری بازار خدمات کشتارگاهی است، می‌کاهد.

واژه‌های کلیدی: انتقال نامتقارن قیمت، گوشت مرغ، آزمون تصحیح خطا

* به ترتیب دانشیاران گروه اقتصاد کشاورزی و دانشجوی دکتری اقتصاد کشاورزی دانشگاه تهران
e-mail: hosseini_safdar@yahoo.com

پیشگفتار

نظریه‌ی قیمت، یکی از پایه‌های اصلی اقتصاد نوکلاسیک است. قیمت‌ها، مهم‌ترین تعیین‌کننده‌های سطح درآمد کشاورزان، مبادله‌کنندگان و صادرکنندگان کالاهای کشاورزی و سطح رفاه اقتصادی مصرف‌کنندگان هستند. افزون بر این ارتباط بین قیمت‌ها در سطوح تولیدکننده و مصرف‌کننده، شاخصی از کارایی بازار و در نتیجه رفاه تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان به دست می‌دهد که از دیدگاه سیاست‌گذاری نیز بااهمیت است. به همین دلیل تجزیه و تحلیل قیمت کالاهای کشاورزی هم از نظر اقتصادی و هم از نظر سیاسی دارای اهمیت است. در این خصوص، بسیاری از اقتصاددانان کشاورزی به فرآیند انتقال قیمت در ساختار بازارهای مرتبط و از مزرعه به خرده‌فروشی توجه نشان داده‌اند (حسینی و نیکوکار، ۱۳۸۵؛ حسینی و دوراندیش، ۱۳۸۵؛ برارسن و کاواس، ۱۹۸۵ و فرایگون و همکاران، ۱۹۹۹).

عامل‌های گوناگونی موجب تغییر قیمت کالاهای کشاورزی می‌شوند. در سمت تقاضا، تغییر در قیمت کالاهای جانشین و مکمل، سطح درآمد مصرف‌کنندگان و جمعیت به تغییر تقاضا منجر می‌شود و با به وجود آوردن کمبود و یا مازاد تقاضا، قیمت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در سمت عرضه نیز تغییر فناوری تولید، قیمت نهاده‌ها و تغییرات آب و هوایی باعث انتقال تابع عرضه و در نتیجه تغییر قیمت می‌شود. از سوی دیگر قیمت مواد غذایی تحت تأثیر تغییر هزینه‌های بازاریابی، تغییر می‌کند. بر اساس نظریه‌ی اقتصادی استاندارد بازارها، به هر دلیلی که قیمت‌ها تغییر کنند، در بازار رقابت کامل، تغییر قیمت‌ها به سرعت به سطوح گوناگون بازار منتقل می‌شوند و انتقال قیمت، متقارن است. یعنی، در صورت افزایش یا کاهش قیمت مزرعه، قیمت‌های خرده‌فروشی، بدون وقفه‌ی زمانی و به همان نسبت افزایش یا کاهش می‌یابد. آموخته‌های تجربی نشان داده‌اند که در عمل، رقابت بازار مواد غذایی، کامل نیست (بایلی و برارسن، ۱۹۸۹؛ برنشتاین و همکاران، ۱۹۹۷ و براون و یوسل، ۲۰۰۰). نتایج بررسی انتقال قیمت در بازارهای کشاورزی بیانگر آن است که حتی برای فرآورده‌های فسادپذیر مانند شیر، گوشت، میوه‌ها و سبزی‌های تازه نیز وقفه‌های زمانی ماهانه در انتقال قیمت وجود دارد و افزایش قیمت مزرعه، سریع‌تر از کاهش قیمت مزرعه به سطح خرده‌فروشی انتقال می‌یابد (تومک و رابینسون، ۲۰۰۳). این پدیده موجب می‌شود که به هنگام افزایش قیمت سر مزرعه،

قیمت‌های خرده‌فروشی به‌سرعت افزایش یابند و اختلاف قیمت سر مزرعه و خرده‌فروشی که به آن حاشیه‌ی بازار گفته می‌شود، کاهش نیابد. در حالی که با کاهش قیمت سر مزرعه و عدم انتقال کاهش قیمت به سطح خرده‌فروشی، حاشیه‌ی بازار افزایش می‌یابد. بنابراین با وجود انتقال نامتقارن قیمت در بازار، افزایش حاشیه‌ی بازار منافی برای عوامل بازاریابی کالا ایجاد می‌کند که همین امر بر رفاه تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان تأثیر می‌گذارد. بر همین اساس چگونگی انتقال قیمت ساختار بازار را بازگو کرده و برای سیاست‌گذاری اهمیت دارد.

در ادبیات انتقال قیمت، دلایل متعددی برای انتقال نامتقارن ذکر شده است که سه مورد از آن‌ها از اهمیت بیشتری برخوردارند. هزینه‌های تعدیل مقدار تولید و تنظیم دوباره‌ی قیمت فرآورده‌ها در خرده‌فروشی‌ها و مدیریت موجودی انبار دو عامل مهم در انتقال نامتقارن قیمت‌ها بیان می‌شوند (وولگنانت و مولن، ۱۹۸۷). سومین و مشهودترین دلیل برای انتقال نامتقارن قیمت، وجود قدرت بازار در بنگاه‌های بازاریابی است. اگر این بنگاه‌ها دارای قدرت بازاری باشند و از این قدرت خود استفاده کنند، می‌توانند روی قیمت‌های پرداختی برای کالاهای مورد معامله از تولیدکننده‌ی اولیه و قیمت‌های فروش فرآورده به مصرف‌کنندگان، تأثیر بگذارند. با توجه به تمرکز به نسبت زیاد عامل‌های فرآوری و بازاریابی صنعت گوشت مرغ در ایران و محدود بودن تعداد آن‌ها، انتقال نامتقارن قیمت در این صنعت، به دلیل اخیر محتمل است که بررسی آن می‌تواند موضوع را مشخص و اطلاعات مفیدی را در اختیار بگذارد.

بررسی چگونگی انتقال قیمت در صنعت گوشت مرغ به این دلیل دارای اهمیت ویژه‌ای است نخست آنکه گوشت مرغ، ۲۲/۵ درصد از نیازهای پروتئینی سرانه‌ی کشور را تأمین می‌کند و صنعت گوشت مرغ ایران با تولیدی بالغ بر ۱۴۰۰ هزارتن و تولید سرانه‌ی ۱۷/۴ کیلوگرم در بیش از ۱۵۰۰۰ واحد فعال در سال‌های اخیر، تولید سرانه‌ای برابر با مصرف سرانه دارد (معاونت امور دام وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۸۵). دوم آنکه به دلیل اهمیت گوشت مرغ در تأمین نیاز غذایی خانوار، دولت همواره در بازار گوشت مرغ مداخله می‌کند که اگرچه به‌ظاهر این مداخلات در جهت حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان این کالا است اما در عمل موجب بروز نوسانات قیمت گوشت مرغ شده است. در چنین شرایطی اگر تغییرات قیمت به صورت نامتقارن به سطوح گوناگون منتقل شود، منافع نامتعارف عوامل بازاریابی (واسطه‌ها) قابل انتظار است. در سال‌های اخیر و پس از آزادسازی قیمت گوشت مرغ و

نهادهای مصرفی در مرغداری‌ها، نوسانات قیمت گوشت مرغ افزایش یافته و سود تولیدکنندگان بیشتر به مخاطره افتاده و لطمه به منافع مصرف‌کنندگان افزایش یافته است. لذا بررسی چگونگی انتقال قیمت در سطوح گوناگون اهمیت بیشتری دارد. با توجه به مطالبی که بیان شد، هدف اصلی این پژوهش، بررسی چگونگی انتقال قیمت بین سطوح گوناگون بازار گوشت مرغ است. پاسخ به این سؤال به این دلیل مهم است که آگاهی از چگونگی انتقال قیمت در حلقه‌های گوناگون زنجیره‌ی بازاریابی و شناسایی تنگناهای موجود در سیستم بازاریابی فرآورده، نقش مهمی در کاهش هزینه مبادله و تدوین سیاست‌های مناسب در این صنعت دارد.

روش پژوهش

یکی از پرسش‌های مهم در حوزه‌ی نظریه‌ی انتقال قیمت این است که چگونه می‌توان وجود عدم تقارن را آزمون و میزان آن را تعیین کرد. مایر و فون‌کرامون-تاوبادل (۲۰۰۴) انواع آزمون‌های تشخیص عدم تقارن را به سه گروه کلی آزمون هاک، آزمون تصحیح خطا و آزمون آستانه‌ای تقسیم‌بندی کرده‌اند. یکی از آزمون‌هایی که به گونه‌ی گسترده در پژوهش‌های گذشته از آن استفاده شده، آزمونی است که توسط هاک در سال ۱۹۷۷ ارائه شد (کینوکان و فرکر، ۱۹۸۷؛ بایلی و برارسن، ۱۹۸۹، مانتی و همکاران، ۱۹۹۵ و ژانگ و همکاران، ۱۹۹۵). نخستین بار فون‌کرامون-تاوبادل و فالبوش (۱۹۹۶) نشان دادند که آزمون هاک با هم‌انباشتگی بین سری‌های قیمت ناسازگار است. بنابراین، آنها یک الگوی تصحیح خطا پیشنهاد کردند که می‌توان از آن برای آزمون انتقال نامتقارن قیمت میان سری‌های قیمت هم‌انباشته استفاده کرد. در بسیاری از پژوهش‌ها، الگوهای گوناگون تصحیح خطای نامتقارن به کار برده شده‌اند (شولنیک، ۱۹۹۶؛ برنشتاین و همکاران، ۱۹۹۷؛ بالک و همکاران، ۱۹۹۸ و فراست و باودن، ۱۹۹۹). آزمون آستانه‌ای که برای بررسی چگونگی انتقال قیمت به کار می‌رود، نخستین بار توسط تانگ (۱۹۸۳) معرفی شد و در چندین پژوهش به کار برده شده است (تسای، ۱۹۸۹؛ گودوین و هالت، ۱۹۹۹؛ گودوین و هارپر، ۲۰۰۰ و گودوین و پیگوت، ۲۰۰۱).

هم‌انباشتگی متغیرهای قیمت، عاملی تعیین‌کننده در نوع آزمون مورد استفاده برای بررسی چگونگی انتقال قیمت می‌باشد. آزمون‌های اولیه نشان می‌دهند که متغیرهای پژوهش، همگرا هستند، بنابراین آزمون تصحیح خطا برای این پژوهش گزینش شده است. در این پژوهش

فرض شده است که تغییرات قیمت گوشت مرغ در سطوح کشتارگاه و خرده‌فروشی تابعی از تغییرات قیمت مرغ زنده در مرغداری، تغییر سیاست دولت و تغییر قیمت نهاده‌های ذرت و کنجاله‌ی سویا می‌باشد. بر اساس آمار، دان نزدیک به ۷۰ درصد هزینه‌های تولید مرغ گوشتی را تشکیل می‌دهد و ذرت و کنجاله‌ی سویا نیز در حدود ۹۵ درصد دان مرغ گوشتی را تشکیل می‌دهند (معاونت امور دام وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۸۵). الگوی هم‌انباشتگی بین قیمت خرده‌فروشی گوشت مرغ با متغیرهای توضیحی الگو به صورت زیر بیان می‌شود:

$$RP_t = \lambda_0 + \lambda_1 FP_t + \lambda_2 CP + \lambda_3 SOP + \lambda_4 D_{1381} + ECT_{RF,T} \quad (1)$$

در الگوی (۱)، RP_t قیمت خرده‌فروشی یک کیلوگرم گوشت مرغ، FP_t قیمت یک کیلوگرم مرغ زنده در مرغداری، CP و SOP به ترتیب میانگین وزنی قیمت یک کیلوگرم ذرت و کنجاله‌ی سویای داخلی و خارجی و D_{1381} متغیر موهومی سیاست تنظیم بازار گوشت مرغ را نشان می‌دهند. سیاست تنظیم بازار گوشت مرغ در آذر سال ۱۳۸۱ تصویب، اما در عمل از اردیبهشت ۱۳۸۲ اجرا شد. بنابراین متغیر موهومی سیاست تنظیم بازار گوشت مرغ، برای مشاهدات ابتدای مهر ۱۳۸۱ تا پایان اردیبهشت ۱۳۸۲ ارزش صفر و برای مشاهدات ابتدای خرداد ۱۳۸۲ تا پایان اسفند ۱۳۸۴، ارزش یک گرفته است. متغیر $ECT_{RF,T}$ جزء اخلاص هم‌انباشته است. با استفاده از اجزای خطای به دست آمده از الگوی (۱)، الگوی اقتصادسنجی انتقال قیمت از مرغداری تا خرده‌فروشی برای آزمون تصحیح خطا، به شکل زیر است:

$$\begin{aligned} \Delta RP_t = & \alpha_0 + \sum_{i=0}^{L1} \alpha_{1,i} INCFP_{t-i} + \sum_{i=0}^{L2} \alpha_{2,i} DECFP_{t-i} \\ & + \sum_{i=0}^{L3} \alpha_{3,i} INCCP_{t-i} + \sum_{i=0}^{L4} \alpha_{4,i} DECCP_{t-i} + \sum_{i=0}^{L5} \alpha_{5,i} INCSOP_{t-i} \\ & + \sum_{i=0}^{L6} \alpha_{6,i} DECSOP_{t-i} + \alpha_7 D_{1381} + \phi^+ ECT_{RF,t-1}^+ \\ & + \phi^- ECT_{RF,t-1}^- + \varepsilon_t \end{aligned} \quad (2)$$

در الگوی (۲)، $\Delta RP_t = RP_t - RP_{t-1}$ است که تغییرات قیمت خرده‌فروشی گوشت مرغ را نسبت به دوره‌ی قبل نشان می‌دهد. $INCFP_{t-i}$ و $DECFP_{t-i}$ به ترتیب متغیر افزایش و کاهش قیمت مرغ زنده در مرغداری در دوره‌ی جاری و دوره‌های قبل است. $\alpha_{1,i}$ ضرایب

متغیر افزایش در قیمت یک کیلوگرم مرغ زنده در دوره‌ی جاری و دوره‌های قبل و $L1$ تعداد وقفه‌های این متغیر است. $\alpha_{2,i}$ ضرایب متغیر کاهش در قیمت مرغ زنده در دوره‌ی جاری و دوره‌های قبل و $L2$ طول وقفه‌ی این متغیر است. $INCCP_{t-i}$ و $DECCP_{t-i}$ مقادیر مطلق افزایش و کاهش قیمت ذرت و وقفه‌های آنها، $INCSOP_{t-i}$ و $DECSOP_{t-i}$ مقادیر مطلق افزایش و کاهش قیمت کنجاله‌ی سویا و وقفه‌های آنها هستند. $\alpha_{3,i}$ ، $\alpha_{4,i}$ ، $\alpha_{5,i}$ ، $\alpha_{6,i}$ ضرایب این متغیر و وقفه‌های آنها و $L3$ ، $L4$ ، $L5$ و $L6$ طول وقفه‌های این متغیرها هستند. D_{1381} متغیر موهومی سیاست تنظیم بازار گوشت مرغ و α_7 ضریب این متغیر می‌باشد. متغیرهای $ECT_{RF,t-1}^+$ و $ECT_{RF,t-1}^-$ نخستین وقفه‌ی مقادیر اجزای اخلاص هم‌انباشته در رابطه‌ی بلندمدت متغیرهای الگو هستند که به دو فاز غیرمنفی و منفی تقسیم شده‌اند و φ^+ و φ^- ضرایب این متغیرها هستند. ε_t نیز جزء اخلاص است.

با استفاده از ضرایب برآوردی الگوی (۲) سه آزمون برای ارزیابی بزرگی انتقال قیمت، سرعت انتقال قیمت و چگونگی انتقال قیمت گوشت مرغ در بلندمدت و کوتاه‌مدت از مرغداری به خرده‌فروشی استفاده می‌شود (مایر و فون کرامون-تاوبادل، ۲۰۰۴):

$$H_0 : \sum_{i=0}^{L1} \alpha_{1,i} = \sum_{i=0}^{L2} \alpha_{2,i} \quad (3)$$

$$H_0 : \alpha_{1,1} = \alpha_{2,1}, \alpha_{2,1} = \alpha_{2,2}, \dots, \alpha_{1,L1} = \alpha_{2,L2} \quad (4)$$

$$H_0 : \varphi^+ = \varphi^- \quad (5)$$

آزمون (۳) برای ارزیابی تقارن در بزرگی انتقال قیمت گوشت مرغ از مرغداری به خرده‌فروشی انجام می‌گیرد. درستی این فرضیه نشان می‌دهد که مقادیر یکسان کاهش و افزایش قیمت مرغ زنده، به واکنش یکسانی (اما در جهت مخالف) در قیمت‌های خرده‌فروشی گوشت مرغ منجر می‌شود. به بیان دیگر تقارن در بزرگی انتقال قیمت‌ها وجود دارد.

پذیرفتن فرضیه‌ی صفر در آزمون (۴) به معنای آن است که افزایش‌ها و کاهش‌های قیمت مرغداری در همه‌ی دوره‌ها به یک اندازه به قیمت خرده‌فروشی منتقل می‌شود. همچنین، اثر تغییر قیمت در سطح مرغداری، صرف‌نظر از جهت تغییر (افزایش یا کاهش) مدت زمانی مشخص طول می‌کشد تا در سطح خرده‌فروشی مشاهده شود. بنابراین پذیرفتن این فرضیه به این معناست که سرعت انتقال تغییرات قیمت مرغداری به خرده‌فروشی، متقارن است.

آزمون رابطه‌ی (۳) افزون بر فرضیه‌ی تقارن در بزرگی انتقال قیمت، فرضیه‌ی انتقال متقارن قیمت در کوتاه‌مدت را نیز نشان می‌دهد. رابطه (۵)، فرضیه‌ی انتقال متقارن قیمت را در بلندمدت نشان می‌دهد. در این رابطه، فرضیه‌ی برابر بودن ضرایب اجزای تفکیک شده‌ی تصحیح خطا مورد آزمون قرار می‌گیرد. این فرضیه بیان می‌کند که هرگونه انحراف منفی و یا غیرمنفی از رابطه‌ی بلندمدت بین متغیرهای قیمت خرده‌فروشی و مرغداری، اثر یکسان و متقارنی بر تغییرات قیمت خرده‌فروشی دارد.

ارزیابی چگونگی انتقال قیمت بین کشتارگاه و خرده‌فروشی، بخش دیگری از هدف‌های این پژوهش است. مشابه با رابطه‌ی (۱)، الگوی هم‌انباشتگی بین قیمت خرده‌فروشی یک کیلوگرم گوشت مرغ با متغیرهای توضیحی الگو به صورت زیر بیان می‌شود:

$$RP_t = \theta_0 + \theta_1 SP_t + \theta_2 CP_t + \theta_3 SOP_t + \theta_4 D_{1381} + ECT_{RS,T} \quad (6)$$

در این الگو SP_t قیمت یک کیلوگرم گوشت مرغ در کشتارگاه است. متغیر $ECT_{RS,T}$ جزء اخلاص هم‌انباشته است. با توجه به الگوی (۶)، الگوی اقتصادسنجی انتقال قیمت از کشتارگاه تا خرده‌فروشی به شکل زیر تدوین می‌شود:

$$\begin{aligned} \Delta RP_t = & \beta_0 + \sum_{i=0}^{M1} \beta_{1,i} INCSP_{t-i} + \sum_{i=0}^{M2} \beta_{2,i} DECSP_{t-i} \\ & + \sum_{i=0}^{M3} \beta_{3,i} INCCP + \sum_{i=0}^{M4} \beta_{4,i} DECCP + \sum_{i=0}^{M5} \beta_{5,i} INCSOP \\ & + \sum_{i=0}^{M6} \beta_{6,i} DECSOP + \beta_7 D_{1381} + \mu^+ ECT_{RS,t-1}^+ + \mu^- ECT_{RS,t-1}^- + v_t \end{aligned} \quad (7)$$

در الگوی (۷)، $INCSP_{t-i}$ افزایش‌های قیمت کشتارگاه و $DECSP_{t-i}$ کاهش‌های قیمت کشتارگاه در دوره‌ی جاری و دوره‌های قبل و $ECT_{RS,t-1}^+$ و $ECT_{RS,t-1}^-$ مقادیر نامنفی و منفی جزء اخلاص هم‌انباشته در رابطه‌ی بلندمدت قیمت خرده‌فروشی گوشت مرغ با سایر متغیرهای الگو است. v_t نیز جزء اخلاص رگرسیون برآوردی می‌باشد. با استفاده از ضرایب برآوردی الگوی (۷) آزمون‌های تقارن در بزرگی و سرعت انتقال قیمت و چگونگی انتقال قیمت گوشت مرغ در بلندمدت از کشتارگاه به خرده‌فروشی به صورت زیر انجام می‌گیرد:

$$H_0 : \sum_{i=0}^{M1} \beta_{1,i} = \sum_{i=0}^{M2} \beta_{2,i} \quad (8)$$

$$H_0 : \beta_{1,1} = \beta_{2,1}, \beta_{2,1} = \beta_{2,2}, \dots, \beta_{1,M1} = \beta_{2,M2} \quad (9)$$

$$H_0 : \mu^+ = \mu^- \quad (10)$$

برای بررسی چگونگی انتقال قیمت گوشت مرغ از مرغداری تا کشتارگاه، ابتدا الگوی هم‌انباشتگی بین قیمت یک کیلوگرم گوشت مرغ در کشتارگاه با متغیرهای توضیحی الگو به شکل زیر برآورد می‌شود:

$$SP_t = \tau_0 + \tau_1 FP_t + \tau_2 CP + \tau_3 SOP + \tau_4 D_{1381} + ECT_{SF,T} \quad (11)$$

در الگوی (۱۱) متغیر $ECT_{SF,T}$ جزء اخلاص هم‌انباشته است. با استفاده از الگوی (۱۱)، الگوی انتقال قیمت گوشت مرغ از مرغداری تا کشتارگاه به شکل زیر تدوین می‌شود:

$$\Delta SP_t = \delta_0 + \sum_{i=0}^{N1} \delta_{1,i} INCFP_{t-i} + \sum_{i=0}^{N2} \delta_{2,i} DECFP_{t-i} + \sum_{i=0}^{N3} \delta_{3,i} INCCP_{t-i} + \sum_{i=0}^{N4} \delta_{4,i} DECCP_{t-i} + \sum_{i=0}^{N5} \delta_{5,i} INCSOP_{t-i} + \sum_{i=0}^{N6} \delta_{6,i} DECSOP_{t-i} \quad (12)$$

در الگوی (۱۲)، $\Delta SP_t = SP_t - SP_{t-1}$ است که تغییرات قیمت یک کیلوگرم گوشت مرغ در کشتارگاه را نسبت به دوره‌ی قبل نشان می‌دهد. متغیرهای $ECT_{SF,t-1}^+$ و $ECT_{SF,t-1}^-$ نیز نخستین وقفه‌ی مقادیر منفی و نامنفی جزء اخلاص هم‌انباشته در رابطه‌ی (۱۱) می‌باشند. با استفاده از ضرایب برآوردی الگوی (۱۲)، آزمون‌های تقارن در بزرگی و سرعت انتقال قیمت و چگونگی انتقال قیمت گوشت مرغ در بلندمدت از مرغداری به کشتارگاه به صورت زیر انجام می‌شود:

$$H_0 : \sum_{i=0}^{N1} \delta_{1,i} = \sum_{i=0}^{N2} \delta_{2,i} \quad (13)$$

$$H_0 : \delta_{1,1} = \delta_{2,1}, \delta_{2,1} = \delta_{2,2}, \dots, \delta_{1,N1} = \delta_{2,N2} \quad (14)$$

$$H_0 : \psi^+ = \psi^- \quad (15)$$

در این پژوهش از آمار هفتگی قیمت‌های مرغ زنده در مرغداری، گوشت مرغ در کشتارگاه، قیمت خرده‌فروشی گوشت مرغ و قیمت نهاده‌های ذرت و کنجاله‌ی سویا استفاده می‌شود و دوره‌ی زمانی مورد نظر این پژوهش ابتدای مهر ۱۳۸۱ تا پایان اسفند ۱۳۸۴ است.

نتایج و بحث

الگوهای (۲)، (۷) و (۱۲) با استفاده از نرم افزار SHAZAM برآورد شد. نتایج بدست آمده از برآورد این الگوها در جداول (۱)، (۲) و (۳) گزارش شده است. هر سه الگو، ابتدا با روش حداقل مربعات معمولی برآورد گردید، اما به دلیل وجود مشکل خودهمبستگی اجزای اخلاص که مشکلی شایع در داده‌های سری زمانی به شمار می‌رود (مایر و فون کرامون، ۲۰۰۴) - الگوها همزمان با رفع این مشکل دوباره برآورد شد.

آماره R^2 و سطوح معنی‌داری ضرایب متغیرها نشان می‌دهند که متغیرهای توضیحی وارد شده در الگوها، تغییرات متغیر وابسته را به‌خوبی توضیح می‌دهند. همچنین آماره‌ی دوربین - واتسون نشان می‌دهد که مشکل خودهمبستگی در الگوهای برآورد شده، وجود ندارد. آماره‌های آکائیک و شوارتز نشان داد که اثر وقفه‌های هیچ‌یک از متغیرهای توضیحی الگوها معنی‌دار نمی‌باشد. اعداد جدول (۱) نشان می‌دهد که مهمترین متغیرهای اثرگذار بر تغییرات قیمت خرده‌فروشی گوشت مرغ، افزایش و کاهش قیمت مرغ زنده در مرغداری، افزایش و کاهش قیمت ذرت، افزایش قیمت کنجاله‌ی سویا و وقفه‌ی مقادیر منفی و نامنفی اجزای اخلاص رابطه‌ی تعادلی بلندمدت می‌باشند. متغیرهای کاهش قیمت کنجاله‌ی سویا و سیاست تنظیم بازار، اگرچه بر تغییرات قیمت خرده‌فروشی گوشت مرغ اثر دارند، اما میزان این اثر در حدی نیست که منجر به معنی‌داری این متغیرها از نظر آماری شود. علامت ضرایب متغیرها نشان می‌دهند که افزایش قیمت مرغ زنده، ذرت و کنجاله‌ی سویا باعث افزایش قیمت خرده‌فروشی گوشت مرغ می‌شود و کاهش قیمت مرغ زنده و نهاده‌های تولید گوشت مرغ باعث کاهش قیمت خرده‌فروشی گوشت مرغ می‌شود.

ضرایب متغیرهای وقفه‌ی مقادیر منفی و غیرمنفی جزء اخلاص، علامت منفی دارند. بنابراین سری‌های قیمت خرده‌فروشی با قیمت در مرغداری گوشت مرغ و قیمت نهاده‌های تولید این کالا، در بلندمدت تمایل به همگرایی دارند و هرگونه انحراف از رابطه‌ی تعادلی بلندمدت در دوره‌های بعدی جبران می‌گردد. برای مثال اگر در دوره‌ی قبل یک انحراف مثبت از رابطه‌ی تعادلی بلندمدت به‌وجود آمده باشد، اثر افزایش قیمت سرمزرعه در دوره‌ی جاری بر قیمت

جدول (۱) الگوی انتقال قیمت از مرغداری به خرده‌فروشی، متغیر وابسته: تغییر قیمت خرده‌فروشی نسبت به دوره‌ی قبل

کشش	سطح معنی‌داری	ضریب متغیر	نام متغیر
-	بی معنی	۰/۹۶	عرض از مبدأ
۰/۷۲	کمتر از یک درصد	۱/۱۷	کاهش در قیمت سر مزرعه
۰/۸۲	کمتر از یک درصد	۱/۳۲	افزایش در قیمت سر مزرعه
۰/۰۹	بی معنی	-۰/۵	کاهش در قیمت کنجاله‌ی سویا
۰/۱۴	کمتر از پنج درصد	۰/۷۶	افزایش در قیمت کنجاله‌ی سویا
۰/۲۴	کمتر از یک درصد	-۲/۱۷	کاهش در قیمت ذرت
۰/۲۸	کمتر از پنج درصد	۲/۴۷	افزایش در قیمت ذرت
-	کمتر از یک درصد	-۰/۳۷	وقفه‌ی مقادیر غیرمنفی جزء اخلاص رابطه‌ی تعادلی بلندمدت
-	کمتر از پنج درصد	-۰/۱۸	وقفه‌ی مقادیر منفی جزء اخلاص رابطه‌ی تعادلی بلندمدت
-	بی معنی	۰/۳۶	متغیر موهومی تغییر سیاست دولت
۱/۹۷	دوربین-واتسون	۰/۹۲	ضریب تعیین R^2
نتیجه آزمون	سطح معنی‌داری	آماره F	آزمون‌های چگونگی انتقال قیمت
رد می‌شود	کمتر از ۱۰ درصد	۳/۲۶	آزمون تقارن در سرعت انتقال قیمت در کوتاه‌مدت
رد می‌شود	کمتر از ۱۰ درصد	۳/۲۶	آزمون تقارن در بزرگی انتقال قیمت در کوتاه‌مدت
پذیرفته می‌شود	بی معنی	۲/۰۷	آزمون تقارن در انتقال قیمت در بلندمدت

مأخذ: یافته‌های تحقیق

خرده‌فروشی کاهش می‌یابد، اما اثر کاهش قیمت سر مزرعه بر قیمت خرده‌فروشی تشدید می‌گردد. بدین ترتیب اثر انحراف مثبت در رابطه‌ی تعادلی بلندمدت پس از مدتی از بین می‌رود. اثر انحراف منفی در رابطه‌ی تعادلی بلندمدت نیز به همین ترتیب، پس از مدتی از بین می‌رود. البته، با توجه به اینکه مقدار مطلق ضریب متغیر وقفه‌ی انحرافات غیرمنفی، بزرگتر از مقدار مطلق ضریب متغیر وقفه‌ی انحرافات نامنفی (بیش از دو برابر بزرگتر) می‌باشد، مدت زمان کمتری لازم است تا اثر هرگونه انحراف غیرمنفی از رابطه‌ی تعادلی بلندمدت از بین برود.

مقایسه‌ی ضرایب متغیرهای کاهش و افزایش قیمت در مرغداری نشان می‌دهد که ضریب متغیر افزایش قیمت در مرغداری از ضریب متغیر کاهش قیمت در مرغداری بزرگتر است. همچنین کشش‌های انتقال قیمت نیز نشان می‌دهد که به ازای یک درصد افزایش قیمت مرغ

زنده در مرغداری، قیمت خرده‌فروشی گوشت مرغ به اندازه‌ی ۰/۸۲ درصد افزایش می‌یابد، اما به ازای یک درصد کاهش در قیمت مرغ زنده در مرغداری، قیمت خرده‌فروشی گوشت مرغ به اندازه‌ی ۰/۷۲ درصد کاهش می‌یابد. با توجه به اینکه میانگین قیمت مرغ زنده در مرغداری و میانگین قیمت خرده‌فروشی گوشت مرغ در دوره‌ی مطالعه، به ترتیب نزدیک به ۹۰۵۰/۱ و ۱۶۶۱۵۳/۲ ریال بوده است، هر ۹/۰۵ ریال افزایش در قیمت یک کیلوگرم مرغ زنده منجر به ۱۹/۸ ریال افزایش در قیمت خرده‌فروشی یک کیلوگرم گوشت مرغ و هر ۹۰/۵ ریال کاهش در قیمت یک کیلوگرم مرغ زنده در مرغداری منجر به ۱۰۵/۲ تومان کاهش در قیمت خرده‌فروشی یک کیلوگرم گوشت مرغ می‌گردد. با توجه به اینکه هر کیلوگرم مرغ زنده معادل ۷۳۰ گرم گوشت مرغ است انتظار می‌رود ۹۰/۵ ریال تغییر در میانگین قیمت یک کیلوگرم مرغ زنده منجر به ۱۱۵ ریال تغییر در میانگین قیمت یک کیلوگرم گوشت مرغ گردد، اما همانگونه که ملاحظه می‌گردد، اگر قیمت مرغ زنده افزایش یابد قیمت خرده‌فروشی گوشت مرغ بیش از مقدار پیش‌بینی شده افزایش می‌یابد و در صورت کاهش قیمت مرغ زنده، قیمت خرده‌فروشی گوشت مرغ کمتر از مقدار پیش‌بینی شده کاهش می‌یابد. بنابراین، اثر افزایش‌های قیمت مرغ زنده در مرغداری بر قیمت خرده‌فروشی گوشت مرغ از اثر کاهش‌های قیمت مرغ زنده بزرگتر است. آزمون‌های انتقال قیمت نیز نشان می‌دهد که این اختلاف معنی‌دار است و سرعت و بزرگی انتقال قیمت از مرغداری به خرده‌فروشی در کوتاه‌مدت نامتقارن است. این آزمون همچنین نشان می‌دهد که انتقال قیمت در بلندمدت بین سطوح مرغداری و خرده‌فروشی متقارن است. بنابراین، عوامل بازاریابی گوشت مرغ در کوتاه‌مدت با انتقال کامل افزایش‌های قیمت مرغ از مرغداری به خرده‌فروشی و انتقال ناقص کاهش‌های قیمت، منافی بدست می‌آورند.

کشش‌های برآوردی افزایش‌ها و کاهش‌های قیمت کنجاله‌ی سویا و ذرت نشان می‌دهد که اثر افزایش قیمت نهاده‌ها بر قیمت خرده‌فروشی شدیدتر است. به گونه‌ای که هر یک درصد افزایش قیمت ذرت منجر به ۰/۲۸ درصد افزایش در قیمت خرده‌فروشی گوشت مرغ و یک درصد کاهش در قیمت ذرت منجر به ۰/۲۴ درصد کاهش در قیمت خرده‌فروشی گوشت مرغ می‌گردد. همچنین یک درصد افزایش در قیمت کنجاله‌ی سویا، قیمت خرده‌فروشی گوشت مرغ را ۰/۱۲ درصد افزایش و یک درصد کاهش در قیمت کنجاله‌ی سویا قیمت خرده‌فروشی گوشت مرغ را ۰/۰۶ درصد کاهش می‌دهد.

متغیر دیگری که در الگوی برآوردی برای انتقال قیمت از مرغداری به خرده‌فروشی گوشت مرغ وارد شده، متغیر موهومی سیاست تنظیم بازار گوشت مرغ می‌باشد. اثر این متغیر از نظر آماری بی‌معنی است و علامت آن مثبت است. به بیان دیگر، برخلاف هدف اولیه‌ی سیاست تنظیم بازار گوشت مرغ، اتخاذ این سیاست نه‌تنها نوسانات قیمت این کالا را کاهش نداده است بلکه آن را تشدید نیز نموده است. البته با توجه به اشکالات اساسی در چگونگی برآورد قیمت‌های سقف و کف گوشت مرغ و عدم حضور به‌موقع و مؤثر شرکت مباشر، این نتیجه چندان دور از انتظار نیست.

جدول (۲) الگوی انتقال قیمت از کشتارگاه به خرده‌فروشی، متغیر وابسته: تغییر قیمت خرده‌فروشی نسبت به دوره‌ی قبل

کشش	سطح معنی‌داری	ضریب متغیر	نام متغیر
-	بی‌معنی	۰/۴۴	عرض از مبدأ
۰/۹۲	کمتر از یک درصد	۰/۹۹	کاهش در قیمت در کشتارگاه
۰/۹۹	کمتر از یک درصد	۱/۰۶	افزایش در قیمت در کشتارگاه
۰/۰۴	بی‌معنی	-۰/۳۵	کاهش در قیمت ذرت
۰/۱۳	بی‌معنی	۱/۱۲	افزایش در قیمت ذرت
۰/۰۰۴	بی‌معنی	-۰/۰۲	کاهش در قیمت کنجاله سویا
۰/۰۲	بی‌معنی	۰/۲۲	افزایش در قیمت کنجاله سویا
-	کمتر از یک درصد	-۰/۷۵	وقفه‌ی مقادیر غیرمنفی جزء اخلاص رابطه‌ی تعادلی بلندمدت
-	کمتر از یک درصد	-۰/۶۴	وقفه‌ی مقادیر منفی جزء اخلاص رابطه‌ی تعادلی بلندمدت
-	بی‌معنی	-۰/۰۵	متغیر موهومی تغییر سیاست دولت
۲/۰۰	دوربین-واتسون	۰/۹۳	ضریب تعیین R^2
نتیجه آزمون	سطح معنی‌داری	آماره F	آزمون‌های چگونگی انتقال قیمت
پذیرفته می‌شود	بی‌معنی	۰/۹	آزمون تقارن در سرعت انتقال قیمت در کوتاه‌مدت
پذیرفته می‌شود	بی‌معنی	۰/۹	آزمون تقارن در بزرگی انتقال قیمت در کوتاه‌مدت
پذیرفته می‌شود	بی‌معنی	۰/۲۵	آزمون تقارن در انتقال قیمت در بلندمدت

مأخذ: یافته‌های پژوهش

جدول (۲) نتایج بدست آمده از برآورد الگوی انتقال قیمت گوشت مرغ از در کشتارگاه به خرده‌فروشی را نشان می‌دهد. آماره‌ی R^2 بیان می‌کند که در مجموع، متغیرهای مستقل الگو تغییرات متغیر وابسته را به‌خوبی توضیح می‌دهند، اما تعداد کمی از متغیرهای توضیحی الگو، اثر معنی‌داری بر متغیر وابسته دارند.

ضرایب متغیرهای وقفه‌ی مقادیر منفی و نامنفی جزء اخلاص با علامت منفی نشان می‌دهند که هرگونه انحراف از رابطه‌ی تعادلی بلندمدت در دوره‌های بعدی جبران می‌گردد، اما مدت زمان کمتری لازم است تا اثر هرگونه انحراف غیرمنفی از رابطه‌ی تعادلی بلندمدت از بین برود. البته، این اختلاف از نظر آماری، معنی‌داری نیست. به طوری که بر اساس آماره F به‌دست آمده، انتقال قیمت بین سطوح کشتارگاه و خرده‌فروشی در بلندمدت، متقارن است.

ضرایب و کشش‌های برآوردی نشان می‌دهند که یک درصد افزایش و کاهش قیمت گوشت مرغ در کشتارگاه به ترتیب به ۰/۹۹ درصد افزایش و ۰/۹۲ درصد کاهش در قیمت خرده‌فروشی گوشت مرغ منجر می‌شود. با توجه به اینکه میانگین قیمت گوشت مرغ در کشتارگاه و میانگین قیمت خرده‌فروشی گوشت مرغ در دوره‌ی مطالعه، به‌ترتیب نزدیک به ۱۳۶۴۱۸ و ۱۴۶۱۳۲ ریال بوده است، هر ۱۳۶/۵ ریال افزایش در قیمت یک کیلوگرم گوشت مرغ در کشتارگاه منجر به ۱۴۵ ریال افزایش در قیمت خرده‌فروشی یک کیلوگرم گوشت مرغ و هر ۱۳۶/۵ ریال کاهش در قیمت یک کیلوگرم گوشت مرغ در کشتارگاه منجر به ۱۳۴/۴ ریال کاهش در قیمت خرده‌فروشی یک کیلوگرم گوشت مرغ می‌گردد. بنابراین اثر افزایش قیمت گوشت مرغ در کشتارگاه بر قیمت خرده‌فروشی گوشت مرغ از اثر کاهش قیمت گوشت مرغ در کشتارگاه بزرگتر است، اما آزمون‌های تقارن در بزرگی و سرعت انتقال قیمت نشان می‌دهند که این اختلاف از نظر آماری معنی‌دار نمی‌باشد و انتقال قیمت از کشتارگاه به خرده‌فروشی متقارن است. بنابراین عوامل بازاریابی این کالا از کشتارگاه تا خرده‌فروشی که به گونه‌ی عمده، خرده‌فروشان گوشت مرغ می‌باشند، افزایش‌ها و کاهش‌های قیمت را به صورت متقارن منتقل می‌کنند و از انتقال نامتقارن قیمت، منافع کسب نمی‌کنند. ضریب متغیر موهومی سیاست تنظیم بازار نیز حاکی از ناکارایی این سیاست در کاهش نوسانات قیمت گوشت مرغ می‌باشد.

جدول (۳) الگوی انتقال قیمت از مرغداری به در کشتارگاه، متغیر وابسته: تغییر قیمت در کشتارگاه نسبت به دوره ی قبل

کشش	سطح معنی داری	ضریب متغیر	نام متغیر
-	بی معنی	-۰/۵۷	عرض از مبدأ
۰/۷۲	کمتر از یک درصد	۱/۰۹	کاهش در قیمت سر مزرعه
۰/۸۲	کمتر از یک درصد	۱/۲۳	افزایش در قیمت سر مزرعه
-۰/۱۱	بی معنی	-۰/۵۴	کاهش در قیمت کنجاله ی سویا
۰/۱۲	کمتر از ۱۰ درصد	۰/۶	افزایش در قیمت کنجاله ی سویا
-۰/۱۸	کمتر از ۱۰ درصد	-۱/۵۳	کاهش در قیمت ذرت
۰/۱	بی معنی	۰/۸۴	افزایش در قیمت ذرت
-	کمتر از یک درصد	-۰/۴۶	وقفه ی مقادیر نامنفی جزء اخلاص رابطه ی تعادلی بلندمدت
-	کمتر از پنج درصد	-۰/۳۱	وقفه ی مقادیر منفی جزء اخلاص رابطه ی تعادلی بلندمدت
-	بی معنی	۰/۳۳	متغیر موهومی تغییر سیاست دولت
۲/۱۱	دوربین-واتسون	۰/۹۳	ضریب تعیین R^2
نتیجه آزمون	سطح معنی داری	آماره F	آزمون های چگونگی انتقال قیمت
رد می شود	کمتر از ۱۰ درصد	۲/۸	آزمون تقارن در سرعت انتقال قیمت در کوتاه مدت
رد می شود	کمتر از ۱۰ درصد	۲/۸	آزمون تقارن در بزرگی انتقال قیمت در کوتاه مدت
پذیرفته می شود	بی معنی	۰/۸۱	آزمون تقارن در انتقال قیمت در بلندمدت

مأخذ: یافته های پژوهش

با توجه به انتقال نامتقارن قیمت گوشت مرغ از مرغداری به خرده فروشی و انتقال متقارن قیمت گوشت مرغ از کشتارگاه به خرده فروشی، انتقال نامتقارن قیمت در بازار گوشت مرغ ایران ناشی از واکنش نامتقارن خرده فروشان این کالا به افزایش و کاهش قیمت گوشت مرغ در کشتارگاه نمی باشد بلکه به نظر می رسد عوامل کشتارگاهی و فرآوری گوشت مرغ در انتقال نامتقارن قیمت ها نقش داشته باشد. بررسی درستی این فرضیه، با برآورد الگوی انتقال قیمت گوشت مرغ از مرغداری تا کشتارگاه امکان پذیر است. در جدول (۳) نتایج برآورد این الگو ارائه شده است. در این الگو مهم ترین متغیرهای اثرگذار بر تغییرات قیمت گوشت مرغ در

کشتارگاه، کاهش و افزایش قیمت مرغ زنده در مرغداری، کاهش قیمت ذرت، افزایش قیمت کنجاله‌ی سویا و وقفه‌ی مقادیر منفی و نامنفی اجزای اخلاص رابطه‌ی تعادلی بلندمدت بین متغیرهای الگو، می‌باشد. ضرایب متغیرهای وقفه‌ی مقادیر منفی و نامنفی جزء اخلاص نشان می‌دهند که متغیرهای الگو، در بلندمدت تمایل به همگرایی دارند و هرگونه انحراف از رابطه‌ی تعادلی بلندمدت در دوره‌های بعدی جبران می‌گردد. البته، مقدار مطلق بزرگتر ضریب متغیر وقفه‌ی انحرافات نامنفی نشان می‌دهد که در مدت زمان کمتری، اثر هرگونه انحراف نامنفی از رابطه‌ی تعادلی بلندمدت از بین می‌رود.

ضرایب و کشش‌های انتقال قیمت نشان می‌دهند که یک درصد افزایش در قیمت مرغ زنده در مرغداری منجر به $0/82$ درصد افزایش در قیمت گوشت مرغ در کشتارگاه می‌گردد و یک درصد کاهش در قیمت مرغ زنده در مرغداری منجر به $0/72$ درصد کاهش در قیمت گوشت مرغ در کشتارگاه می‌گردد. با توجه به اینکه میانگین قیمت یک کیلوگرم مرغ زنده در مرغداری و میانگین قیمت گوشت مرغ در کشتارگاه در دوره‌ی مطالعه، به ترتیب $9050/1$ و $13641/8$ ریال بوده است، هر $90/5$ ریال افزایش در قیمت یک کیلوگرم مرغ زنده منجر به 112 ریال افزایش در قیمت یک کیلوگرم گوشت مرغ در کشتارگاه و هر $90/5$ ریال کاهش در قیمت یک کیلوگرم مرغ زنده در مرغداری منجر به $98/3$ ریال کاهش در قیمت یک کیلوگرم گوشت مرغ در کشتارگاه می‌گردد. بنابراین، اثر افزایش قیمت مرغ زنده در مرغداری بر قیمت گوشت مرغ در کشتارگاه از اثر کاهش قیمت مرغ زنده بزرگتر است. آزمون‌های تقارن در سرعت و بزرگی انتقال قیمت نیز نشان می‌دهد افزایش قیمت مرغ زنده، بیشتر از کاهش قیمت مرغ زنده به سطح کشتارگاه منتقل می‌شود. این آزمون‌ها همچنین نشان می‌دهد که انتقال قیمت در بلندمدت بین سطوح مرغداری و کشتارگاه بازار گوشت مرغ ایران متقارن می‌باشد. بنابراین، کشتارگاه‌های گوشت مرغ، با انتقال ناقص کاهش قیمت و انتقال کامل افزایش قیمت گوشت مرغ، در کوتاه‌مدت منافع کسب می‌نمایند.

کشش‌های افزایش و کاهش قیمت نهاده‌ها نشان می‌دهد که یک درصد افزایش قیمت ذرت منجر به $0/1$ درصد افزایش و یک درصد کاهش قیمت ذرت منجر به $0/18$ درصد کاهش قیمت گوشت مرغ در کشتارگاه می‌شود. همچنین، یک درصد افزایش قیمت کنجاله‌ی سویا

منجر به ۰/۱۲ درصد افزایش و یک درصد کاهش قیمت کنجاله‌ی سویا منجر به ۰/۱۱ درصد کاهش قیمت گوشت مرغ در کشتارگاه می‌شود.

همانند دو الگوی پیشین، اثر متغیر سیاست تنظیم بازار گوشت مرغ، از نظر آماری بی‌معنی است و علامت آن مثبت می‌باشد که نشان از ناکارآمدی این سیاست است. مقایسه‌ی نتایج بدست آمده از سه الگوی برآوردی نشان می‌دهد که انتقال قیمت گوشت مرغ از مرغداری به کشتارگاه و از مرغداری به خرده‌فروشی نامتقارن است، اما از کشتارگاه به خرده‌فروشی متقارن می‌باشد. البته، در بلندمدت، انتقال قیمت در تمامی سطوح ساختار بازار گوشت مرغ ایران متقارن است. روی هم رفته افزایش قیمت مرغ زنده در مرغداری، قیمت‌های کشتارگاه و خرده‌فروشی گوشت مرغ را به همان نسبت افزایش می‌دهد، اما کاهش قیمت مرغ زنده منجر به کاهش کمتری در قیمت‌های کشتارگاه و خرده‌فروشی گوشت مرغ می‌گردد و در حقیقت عوامل بازاریابی گوشت مرغ - به گونه‌ی عمده کشتارگاهها- از انتقال ناقص کاهش قیمت مرغ زنده به سطوح دیگر بازار، منفعت کسب می‌کنند.

با توجه به نتایج بدست آمده از این پژوهش ملاحظه می‌شود که به دلیل تمرکز در صنعت کشتارگاهی کشور و وجود ساختار انحصاری و یا انحصار چندجانبه‌ای در بسیاری از مناطق کشور، صاحبان این صنایع به منظور انتقال کامل افزایش قیمت و انتقال ناقص کاهش قیمت مرغ زنده به سطوح بالاتر بازار از قدرت بازاری خود استفاده می‌کنند. این رفتار به‌ویژه در بخشی از بازار که ادغام عمودی صورت گرفته و عوامل کشتارگاهی، طی قراردادهایی با مرغداران، مرغ زنده را از مرغداران تحویل می‌گیرند و کشتار می‌کنند و خود دارای تونل انجماد و سردخانه هستند و بر بخشی از بازار خرده‌فروشی نیز تسلط دارند، مشاهده می‌شود. در حالی که سایر عوامل بازاریابی گوشت مرغ و خرده‌فروشان، به دلیل وجود بازار رقابتی نمی‌توانند افزایش قیمت گوشت مرغ در کشتارگاه را با شدت بیشتری به سطح خرده‌فروشی منتقل کنند و از انتقال کامل کاهش قیمت به سطح خرده‌فروشی خودداری نمایند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بنابر آنچه بیان شد، به دلیل انتقال نامتقارن قیمت در بازار گوشت مرغ، در صورت افزایش قیمت تمام‌شده‌ی فرآورده، اضافه قیمت پرداختی توسط مصرف‌کنندگان از اضافه قیمت تمام شده بیشتر است، در حالی که در صورت کاهش قیمت تمام شده‌ی فرآورده، مصرف‌کنندگان گوشت مرغ از کاهش قیمت کمتری برخوردار می‌شوند. به این ترتیب بر اثر نوسان‌های قیمت گوشت مرغ، سطح رفاه مصرف‌کنندگان این کالا کاهش می‌یابد. با توجه به اهمیت گوشت مرغ در سبد مصرفی خانوار ایرانی و با توجه به عدم توفیق سیاست تنظیم بازار گوشت مرغ در کاهش نوسان‌های قیمت این فرآورده، دولت باید در اجرای بهتر سیاست تنظیم بازار گوشت مرغ و یا تنظیم رفتار عوامل بازاریابی این کالا تلاش نماید. در سال‌هایی که از زمان اجرای این سیاست می‌گذرد، به دلیل عدم حضور به‌موقع دستگاه مباشر در بازار خرید مرغ زنده و فروش گوشت مرغ، همچنین محدود بودن دامنه‌ی فعالیت این دستگاه به برخی از مناطق کشور، این سیاست توفیقی در جهت کاهش نوسان‌های قیمت گوشت مرغ نداشته است. بنابراین حضور به‌موقع دستگاه مباشر در بازار، از شدت نوسان‌های قیمت گوشت مرغ می‌کاهد و رفاه مصرف‌کنندگان این کالا بر اثر انتقال نامتقارن نوسانات قیمت، کاهش نمی‌یابد.

با توجه به قدرت بازاری صنعت کشتارگاهی و اثرگذاری فعالان این صنعت بر قیمت‌های خرید مرغ زنده و فروش گوشت مرغ و همچنین بر چگونگی انتقال کاهش و افزایش قیمت مرغ زنده به بازارهای عمده‌فروشی و خرده‌فروشی گوشت مرغ، محاسبه‌ی قیمت تمام‌شده‌ی هر کیلوگرم مرغ زنده و گوشت مرغ به گونه‌ی دقیق و بدون جهت‌گیری خاص و نظارت بر قیمت‌های خرید مرغ زنده و فروش گوشت مرغ توسط عوامل بازاریابی، یکی از راهکارهای عملی در راستای تنظیم رفتار عوامل بازاریابی می‌باشد. هم اکنون با وجود صرف هزینه‌ی بسیار و جمع‌آوری قیمت نهاده‌های تولید از سراسر مناطق کشور توسط سازمان‌های گوناگون از جمله شرکت سهامی پشتیبانی امور دام کشور، معاونت امور دام وزارت جهاد کشاورزی، اتحادیه‌ی مرغداران گوشتی و سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان، به دلیل جهت‌گیری‌های خاص، هر یک از این سازمان‌ها فرمول خاصی برای محاسبه‌ی هزینه‌های تولید دارند و قیمت تمام شده‌ی متفاوتی برای هر کیلوگرم مرغ زنده و گوشت مرغ برآورد

می‌کنند. نتیجه‌ی صرف این هزینه‌ی هنگفت و موازی‌کاری سازمان‌های گوناگون، اعلام قیمت‌های متفاوت برای مرغ زنده و گوشت مرغ و بهره‌برداری عوامل بازاریابی از این اختلاف نظرها و کسب سود بیشتر می‌باشد. در حالی که هم رانی و اعلام یک قیمت واقعی و واحد برای مرغ زنده و گوشت مرغ، نظارت بر چگونگی قیمت‌گذاری توسط عوامل بازاریابی را که از وظایف سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان می‌باشد^۱، با صرف هزینه‌های کمتر امکان‌پذیر می‌کند.

ایجاد زیرساخت‌های مناسب جهت ساخت کشتارگاه در مناطقی از کشور که با وجود تعداد زیاد مرغداری‌ها، تعداد کمی کشتارگاه و یا کشتارگاه وجود ندارد، یکی از راهکارهای عملی در راستای کاهش هزینه‌ها و قیمت تمام شده‌ی فرآورده و همچنین تنظیم میزان عرضه‌ی گوشت مرغ در مناطق گوناگون کشور از یک سو و تنظیم رفتار عوامل بازاریابی از سوی دیگر است. هم اکنون به دلیل کمبود کشتارگاه در برخی از مناطق کشور که در آنها شمار زیادی مرغداری گوشتی فعالیت می‌کنند، مرغداران، مرغ‌های پرورش یافته را به استان‌های همجوار که کشتارگاه‌های بیشتری دارند، منتقل می‌کنند (مانند انتقال مرغ زنده از استان‌های مازندران و زنجان به استان تهران). این انتقال افزون بر اینکه هزینه‌های حمل و نقل و کاهش وزن محموله را بر اثر ایجاد استرس و یا تلفات در حین حمل، بر هزینه‌های تولید می‌افزاید، به دلیل وجود اطلاعات نامتقارن، قیمت پیشنهادی عوامل بازاریابی را برای مرغ زنده و گوشت مرغ بر تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان تحمیل می‌کند. همچنین، بر میزان عرضه‌ی گوشت مرغ در مناطق گوناگون کشور اثر می‌گذارد و از این راه موجب نوسانات قیمت این کالا می‌گردد. در حالی که در صورت وجود صنایع کشتارگاهی با ظرفیتی متناسب با میزان تولید مرغ زنده در هر منطقه از کشور، هزینه‌های تولید و جمع‌آوری اطلاعات کاهش می‌یابند و در اصل قدرت بازاری برای صنعت فرآوری وجود ندارد تا امکان بهره‌برداری از آن وجود داشته باشد.

۱- نظارت بر قیمت کالاها و خدمات قبلاً در حیطه وظایف سازمان بازرسی و نظارت بر قیمت کالاها و خدمات بود که اکنون در سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان ادغام گردیده است.

سیاسگذاری

این مقاله برگرفته از یافته های پژوهشی است که با عنوان " بررسی و ارزیابی رفتار انتقال قیمت در ساختار مواد غذایی ایران " با حمایت مالی مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی در سال های ۱۳۸۵ و ۸۶ انجام شده است. بدین وسیله از مسئولان محترم این مؤسسه، به ویژه از معاونت پژوهشی و شورای پژوهشی تشکر و تقدیر می گردد.

منابع

- بی نام. (۱۳۸۵). خلاصه گزارش سالیانه اداره کل پرورش و اصلاح نژاد طیور و زنبور عسل. معاونت امور دام وزارت جهاد کشاورزی.
- حسینی، س.ص. و الف. نیکوکار. (۱۳۸۵). بررسی چگونگی انتقال قیمت در بازار گوشت مرغ ایران و اثر آن بر حاشیه بازار. مجله علوم کشاورزی ایران. شماره ۲-۳۷.
- حسینی، س.ص. و آ. دورانیش. (۱۳۸۵). الگوی تحلیل رفتار انتقال قیمتی پسته ایران در بازار جهانی. مجله علوم کشاورزی ایران. شماره ۲-۳۷.
- Azzam, A.M. (۱۹۹۹). Asymmetry and rigidity in farm-retail price transmission. Amer. J. Agr. Econ. ۸۱: pp. ۵۲۵-۵۳۳.
- Bailey, D., Brorsen, B.W. (۱۹۸۹). Price asymmetry in spatial fed cattle markets. Western Journal of Agricultural Economics. ۱۴(۲): pp. ۲۴۶-۲۵۲.
- Balke, N.S., Brown, S.P.A., Yucel, M.K. (۱۹۹۸). Crude oil and gasoline prices: An asymmetric relationship. Federal Reserve Bank of Dallas, Economic Review, First Quarter. pp. ۲-۱۱.
- Borenstein, S., Cameron, A.C., Gilbert, R. (۱۹۹۷). Do gasoline prices respond asymmetrically to crude oil price changes? Quarterly Journal of Economics. ۱۱۲: pp. ۳۰۵-۳۳۹.
- Brorson, B.W., Chavas, J.P., Grant, W.R., Schanke, L.D. ۱۹۸۵. Marketing margins and price uncertainty: The Case of the U.S. Wheat Market. Amer. J. Agr. Econ. ۶۷: pp. ۵۲۱-۲۸.

- Brown, S.P.A., Yucel, M.K. (۲۰۰۰). Gasoline and crude oil prices: why the asymmetry?. Federal Reserve Bank of Dallas, Economic and Financial Review. Third Quarter. pp. ۲۳-۲۹.
- Frigon, M., Maurice, D., Romain, R. (۱۹۹۹). Asymmetry in farm-retail price transmission in the northeastern fluid milk market. Food Marketing Policy Center. Research Report No. ۴۵.
- Frost, D., Bowden, R. (۱۹۹۹). An asymmetry generator for error-correction mechanisms with Application on Bank Mortgage-Rate Dynamics. Journal of Business & Economic Statistics. ۱۷(۲): pp. ۲۵۳-۲۶۳.
- Goodwin, B.K., Harper, D.C. (۲۰۰۰). Price transmission, threshold behavior and asymmetric adjustment in the U.S. pork sector. Journal of Agricultural & Applied Economics. ۳۲: pp. ۵۴۳-۵۵۳.
- Goodwin, B.K., Holt, M.T. (۱۹۹۹). Asymmetric adjustment and price transmission in the U.S. beef sector. Amer. J. Agr. Econ. ۸۱: pp. ۶۳۰-۶۳۷.
- Goodwin, B.K., Piggott, N.E. (۲۰۰۱). Spatial market integration in the presence of threshold effects. Amer. J. Agr. Econ. ۸۳(۲): pp. ۳۰۲-۳۱۷.
- Houck, J.P. (۱۹۷۷). An approach to specifying and estimating nonreversible functions. Amer. J. Agr. Econ. ۵۹: pp. ۵۷۰-۵۷۲.
- Kinnucan, H.W., Forker, O.D. (۱۹۸۷). Asymmetry in farm-retail price transmission for major dairy products. Amer. J. Agr. Econ. ۶۹(۲): pp. ۲۸۵-۲۹۲.
- Meyer, J., Von Cramon-Taubadel, S. (۲۰۰۴) Asymmetric price transmission: A survey. Department of Agricultural Economics. Gottingen. Germany. Working Paper.
- Mohanty, S., Peterson, E.W.F., Kruse, N.C. (۱۹۹۵). Price asymmetry in the international wheat market. Canadian Journal of Agricultural Economics. ۴۳: pp. ۳۵۵-۳۶۶.
- Peltzman, S. (۲۰۰۰). Prices rise faster than they fall. Journal of Political Economy. ۱۰۸(۳): pp. ۴۶۶-۵۰۲.
- Scholnick, B. (۱۹۹۶). Asymmetric adjustment of commercial bank interest rates: Evidence from Malasia and Singapore. Journal of International Money and Finance. ۱۵: pp. ۴۸۵-۴۹۶.

- Tomek, W.G., Robinson, K.L. (۲۰۰۳). Marketing margins for farm products in agricultural product prices. Chapter ۶. pp. ۱۰۷-۱۲۷.
- Tong, H. (۱۹۸۳). Threshold models in non-linear time series analysis. New York, Springer Verlag.
- Tsay, R.S. (۱۹۸۹). Testing and modeling threshold autoregressive processes. Journal of the American Statistical Association. ۸۴: pp. ۲۳۱-۲۴۰.
- V. Cramon-Taubadel, S., Fahlbusch, S. (۱۹۹۶). Estimating asymmetric price transmission with the error correction representation: an application to the German pork market. keil. Germany. University of Keil. Department of Agricultural Economics.
- Wohlgenant, M. K., Mullen, J.D. (۱۹۸۷). Modeling the farm-retail price spread for beef. West. J. Agr. Econ. ۱۲: pp. ۱۱۹-۲۵.
- Zhang, P., Fletcher, S.M., Carley, D.H. (۱۹۹۵). Peanut price transmission asymmetry in peanut butter. agribusiness. ۱۱: pp. ۱۳-۲۰.